

بازگشت گالیور

گالیور با دریافت نامه‌ای، پس از سال‌ها، به شهر لی‌لی‌پوت باز می‌گردد اما مردم تحت تأثیر صحبت‌های دیگران گمان می‌کنند گالیور یک غول است. با دیدن او حرف‌هایش را باور نمی‌کنند و او را به زندان می‌اندازند. شهردار لی‌لی‌پوت حکم کشتن او را صادر می‌کند. گالیور با همکاری مارتی از زندان فرار می‌کند و نزد دوست قدیمی‌اش، فریلاک، می‌رود. فریلاک نیز پس از گذشت سال‌ها، مانند دیگران حرف‌های گالیور را باور نمی‌کند و به دیگران حضور گالیور در خانه‌اش را اطلاع می‌دهد تا او را دستگیر کنند. در همین حین، فریلاک متوجه اشتباهش می‌شود اما پشیمانی او فایده‌ای ندارد و نگهبانان لی‌لی‌پوت گالیور را دستگیر می‌کنند. پادشاه قصد اعدام گالیور را دارد ولی با شنیدن خبر حمله‌ی نیروهای خارجی به شهر، از گالیور می‌خواهد در ازای آزادی‌اش، شهر را نجات دهد. گالیور و دوستانش با هم فکری یک‌دیگر و اجرای یک نقشه‌ی خوب و هوشمندانه، شهر را نجات می‌دهد و خود نیز از مرگ رهایی می‌یابد.

